

نگاهی به شخصیت، سوابق و فعالیت‌های محمود صرخی در عراق

شاکر قوامیان*

حمید کریمی**

چکیده

یکی از روش‌های دشمن برای تخریب اسلام، فرقه‌سازی و تشدید اختلافات در میان مذاهب اسلامی است. تشکیل گروه‌های تکفیری وهابی و همزمان، حمایت از تندروهای شیعه، مانند فرقه صرخی، از جمله اقداماتی است که کشورهای غربی در راستای سیاست‌های ضداسلامی خود دنبال می‌کنند.

این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای و با هدف معرفی و نقد شخصیت و افکار محمود صرخی نگارش شده است. بررسی‌ها نشان داد که صرخی از لحاظ خانوادگی و اخلاقی، شخصی مطرود است. وی از نظر سیاسی وابسته به حزب بعث عراق بوده و خیانت‌های متعددی در پرونده خود دارد. وی از جهت علمی روحانی‌مایی کم‌سواد و بدون سابقه علمی و تحصیلی پیوسته است؛ از این رو هرچند اندیشه‌های او قابل توجه نیست؛ اما برای شناخت بیشتر شخصیت و جریان انحرافی او مطالبی بیان شده است.

واژگان کلیدی: محمود صرخی، کشور عراق، مدعیان مهدویت، فرقه‌های انحرافی.

*. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل؛ shaker.ghavamian@gmail.com

** . دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران؛ karymi@iust.ac.ir

مقدمه

دشمنان دین اسلام پیوسته تلاش نموده‌اند که از راه‌های مختلفی به اسلام و پیروان آن ضربه وارد کنند. یکی از راه‌های ضربه‌زدن به دین اسلام توسط قدرت‌های استکباری به‌خصوص سرویس‌های جاسوسی انگلیس، آمریکا و صهیونیسم، فرقه‌سازی و تشدید اختلافات در میان مذاهب اسلامی است. تشکیل گروه‌های تندروی اهل تسنن موسوم به تکفیری وهابی و همچنین حمایت از افراطیون ظاهراً شیعی همچون فرقه صرخی در داخل ایران، عراق و کشورهای منطقه از جمله اقداماتی است که کشورهای غربی در راستای سیاست‌های ضداسلامی خود دنبال می‌کنند. جریان صرخی اگرچه حرکتی ضعیف و کم‌عده بود، اما آشنایی با این جریان و افکار و فعالیت‌های آنان، برای ایجاد هوشیاری بیشتر نسبت به برنامه‌ها و نقشه‌های آینده دشمنان دین و روحانیت و هویت مسلمانان، لازم است. درباره شخصیت و اندیشه و روابط وی، منبع خاصی وجود ندارد یا دست‌کم در دسترس نیست؛ از این‌رو اکثر مطالب برگرفته از سایت‌های اینترنتی و خبری است.

شناسنامه محمود حسنی صرخی

محمد بن عبدالرضا بن محمد الصرخی معروف به محمود الحسنی الصرخی در سال ۱۹۶۴ میلادی در شهر کاظمین به دنیا آمده است. صرخی در سال ۱۹۸۷م از دانشکده مهندسی راه و ساختمان دانشگاه بغداد فارغ‌التحصیل شده است. صرخی پیش از اینکه صدام در عراق اعدام و حزب بعث منحل شود، مخفی بود؛ ولی پس از ظهور گروه تروریستی داعش و آغاز تحركات مجدد حزب بعث و تحركات تروریستی آن‌ها در عراق، بار دیگر در نقاطی مثل کربلا ظاهر شد. گفته می‌شود که نام الصرخی ابتدا «محمود عبدالرضا البهادلی» بود و سپس به شیخ «محمود التمیمی» تغییر پیدا کرد. وی زمانی که شیخ محمود التمیمی نام داشت لباس و عمامه سفید به تن داشت و از وی به‌عنوان عنصر پلیس امنیت عراق یاد می‌شد. وی پس از مدتی نام خود را به سید محمود الصرخی تغییر داد و سپس با عمامه مشکی در انظار عمومی ظاهر شد. درباره سیادت او شک و تردید بسیاری وجود دارد و او در کتاب «مسائل و ردود» قرائنی بر سیادت خود ارائه می‌کند که صحت یکایک آن‌ها محل تردید است (حسنی صرخی، ۱۴۲۷ق، ص ۶).



پایگاه خبری «کنوز مدیا» دربارهٔ صرخه می‌نویسد، در دههٔ ۹۰ میلادی، صرخه در منزل خود ماهواره نصب کرده بود و به همین علت، بازداشت گردیده و به پرداخت ۳۰۰ هزار دینار عراقی محکوم شد. وی در دورانی که بازداشت بود، فلسفه‌بافی می‌کرد و می‌نوشت. یکی از افسران امنیتی از این مسئله مطلع می‌شود و این مسئله را به مسئولان بالادستی گزارش می‌دهد. سرویس اطلاعات عراق نیز وی را جذب می‌کند و دوره‌های آموزشی عقیدتی مذهبی برای وی برگزار می‌کند و او را به پاکستان می‌فرستد تا جادوگری بیاموزد. به گزارش این پایگاه، یک سال بعد، از پاکستان به عراق بازمی‌گردد و نام خود را «شیخ محمود التمیمی» می‌گذارد؛ پس از آن عمامه سفیدی به سر کرد و ملقب به شیخ محمود شد؛ پس از مدتی نیز عمامه سیاه به سر نموده و نام محمود الصرخه را برای خود انتخاب کرد؛ پس از مدتی به سید محمود الحسنی تغییر نام داد و به مردم می‌گفت که او، شخص سید الحسن الخراسانی است که امام زمان علیه السلام را می‌شناسد. مدتی بعد، ادعا کرد که نایب امام زمان علیه السلام و پس از مدتی هم مدعی شد که خود امام زمان علیه السلام است، ولی نمی‌خواست خودنمایی کند.

بنابراین گزارش، پس از به زبان آوردن این مهمات، ارتش عراق به بهانه اینکه صرخه فساد کرده و از ترس اینکه رابطهٔ وی با رژیم بعث فاش شود، وی را بازداشت می‌کند. در سال ۲۰۱۴م، عناصر وابسته به صرخه در حوادث نجف دست داشتند و مدعی بودند که صرخه خود امام زمان علیه السلام است.

صرخه؛ از جذب در سرویس اطلاعات عراق تا فراگیری جادوگری در پاکستان

صرخه در ابتدا عضو «جیش المهدی» بود اما از سال ۲۰۰۵م از آن جدا شد و سازمان مسلحی تأسیس کرد. صرخه مدعی است که بی‌واسطه از طرف مهدی، امام دوازدهم شیعیان صحبت می‌کند. نیروهای تحت امر او موسوم به «ارتش امام حسین علیه السلام» در سال ۲۰۰۶م و در اعتراض به دخالت ایران در عراق، به کنسولگری ایران در کربلا حمله کردند. آن‌ها دارای گرایش‌های ایران‌ستیزانه هستند. در کتاب «تکامل دولت اسلامی» از آیت‌الله سیدعلی سیستانی به‌عنوان چالشی برای قدرت مذهبی و سیاسی صرخه یاد شده است، رقیبی سرسخت که برآمده از تأثیر ایران بر سیاست‌های عراق و در تضاد با تأکیدات صرخه

بر روی پس‌زمینه‌های عربی و عراقی خود که در تضاد با تبار ایرانی آیت‌الله سیدعلی سیستانی است.

آن‌ها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ م با بمب‌های کنار جاده‌ای نیروهای ائتلاف را هدف قرار دادند. هواداران صَرخی سابقه حمله به دفتر آقای سیستانی را نیز دارند.

بعضاً هواداران این گروه بین ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر تخمین زده شده است. به نوشته میدل ایست آی محققان اسلامی برخورداری وی از ده هزار هوادار را هم تأیید نمی‌کنند. در سال ۲۰۱۹ م بی‌بی‌سی فارسی تعداد هواداران صَرخی را حدود دو هزار نفر ارزیابی کرده است. وی در سال ۲۰۱۴ م پس از تصرف موصل توسط داعش و تهدید اماکن مقدس شیعیان در سامرا و سایر شهرها با فتوای جهاد آیت‌الله سیستانی مخالفت کرد و خواستار مذاکره با داعش شد.

در سال ۲۰۱۹ م گفته شد که پیروان صَرخی به کنسولگری ایران در کربلا حمله کرده‌اند. به نوشته الجزیره، هواداران وی نقش مهمی در حمله به کنسولگری ایران در کربلا داشته‌اند. به نوشته پایگاه خبری خلیج‌الیوم، ۳۰۰ نفر از هواداران صَرخی از منطقه طویریج به کربلا منتقل شده و به کنسولگری ایران حمله کردند (برگرفته از سایت ویکی‌پدیا همراه با تصرف).

تحصیلات حوزوی

صَرخی مدعی است در حوزه علمیه نجف از سال ۱۹۹۴ م مشغول تحصیل بوده است. او درباره تحصیلاتش گفته که از شاگردان سید محمد صادق و سید محمد باقر صدر بود. سید کاظم حائری از شاگردان سید محمد باقر صدر، در این خصوص گفته است که محمود صَرخی هیچ‌گاه از شاگردان سید محمد باقر صدر نبوده است. شاگردان اساتید معروف حوزه حضور و تحصیل جدی و مستمر ایشان را رد کرده‌اند (حسنی صَرخی، ۱۴۲۷ ق، سؤال ۴۲ و ۶۶). او فردی است که سواد چندانی ندارد، ولی با برخی ادعاها مانند ملاقات با امام زمان علیه السلام و ادعای اینکه امام زمان علیه السلام با خواهر او ازدواج کرده، موقعیت خود را تحکیم کرد و متعاقب آن، برخی مریدانش او را سید حسنی نامیدند؛ درحالی‌که گفته می‌شود اساساً در شیعه بودن او هم تردید وجود دارد.

اهداف صرخی در عراق

بررسی دقیق انجام شده از سیر فعالیت‌ها، اظهارات، موضع‌گیری‌ها و اقدامات گروهک «الصّرخی» نشان می‌دهد که هدف اصلی وی ایجاد فتنه میان شیعیان عراق و به‌ویژه تخریب وجهه قدرتمند و بانفوذ حضرت آیت‌الله سیدعلی سیستانی است.

از جمله اقدامات تخریب‌گرایانه گروهک «الصّرخی» علیه حضرت آیت‌الله سیستانی، حمله به دفاتر و تلاش برای ترور برخی از نمایندگان و وکلای ایشان در شهرهای مختلف عراق به‌ویژه شهرهای جنوبی بوده است.

هواداران «الصّرخی» طی دو سال بیش از ده مسجد، حسینیه و مرکز وابسته به آیت‌الله سیستانی و نمایندگان را مورد حمله قرار داده و به آتش کشیده‌اند. آنان حتی حرمت این اماکن دینی و قرآن‌های موجود در آن را نگه نداشته و آن‌ها را به آتش کشیدند.

سیاستی که «الصّرخی» برای تخریب آیت‌الله سیستانی در پیش‌گرفته معرفی وی به‌عنوان یک مرجع ایرانی و غیرعراقی است، تا از این طریق بتواند ایشان را در میان مردم عراق و دیگر کشورهای عربی تخریب کند.

اهداف صرخی در منطقه

صّرخی به دستور اربابان سعودی و غربی اهدافی را در منطقه نیز دنبال می‌کند که عمده‌ترین آن حمله به جمهوری اسلامی ایران و زیر سؤال بردن نظام ولایت‌فقیه است. دیگر هدف وی در منطقه مورد حمله قرار دادن حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه و دیکتاتور نامیدن وی است.

«الصّرخی» همچنین طی اظهاراتی، انقلابیون بحرین را «شورشی» و «فتنه‌گر» نامیده و آن‌ها را به مزدور بودن و فعالیت در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران متهم کرده است.

او از سوی دیگر از اهالی سنی مذهب استان الانبار که علیه حکومت نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق دست به اعتراضات زده بودند، حمایت کرده و خواستار ساقط شدن دولت وی شده بود. این در حالی است که به اذعان کارشناسان مسائل سیاسی عراق، اعتراضات استان الانبار از سوی حزب بعث منحلّه، عربستان سعودی و قطر حمایت می‌شد.

ریشه دیدگاه‌ها و عقاید صرخی

در سال‌های دهه ۹۰ میلادی گروه‌های متعددی در میان شیعیان عراق پدید آمد که هرکدام خود را پیرو اندیشه مهدویت معرفی می‌کردند. عمده این افراد از اطرافیان سید محمد صدر بودند. وی توسط دولت عراق ترور شد و فرزندش مقتدی صدر در سال‌های اشغال عراق توسط آمریکا «جیش المهدی» را بنیان نهاد. سید محمد صدر و فرزندش مقتدی صدر ادعایی درباره اتصال خود به امام دوازدهم یا شخصیت‌های مرتبط با ظهور نداشتند، اما برخی افراد جوان و از طبقه پایین جامعه عراق اقدام به تأسیس سازمان‌های مسلحی در عراق کرده و خود را به اندیشه مهدویت یا شخصیت‌های مرتبط با آن همچون سید یمانی یا سید حسنی ربط دادند و درعین حال علیه روحانیت و مرجعیت شیعه در نجف فعالیت کردند.

ضیاء عبدالزهرهء کاظم، سازمانی موسوم به «سربازان بهشت» را تأسیس کرد و چند عملیات نظامی از جمله تلاش برای حمله و تصرف شهر نجف را اجرا کرد. او که خود را امام دوازدهم و رجعت امام دوم می‌نامید، نهایتاً در سال ۲۰۰۸م همراه با احمد الحسن رهبر دیگر فرقه، در درگیری با نظامیان عراقی به قتل رسید، هرچند حامیان احمد الحسن باور دارند که او زنده است؛ اما آنچه به اندیشه و عمل او برجستگی می‌بخشد و آن را مورد توجه کانون‌های خبری قرار می‌دهد، ساختار شکنی‌های او در ارتباط با حوزه و مرجعیت است. او نه تنها خود را مرجع می‌انگاشت بلکه مدعی بود که اعلم از همگان است و البته جهت اثبات برتری‌اش، به تخریب و انتقاد از سایر مراجع تقلید می‌پرداخت. مرجعیت اعلم از نظر او دارای مناصبی است که شامل افتاء، قضاوت، ولایت بر امور قاصرین و ولایت عامه مؤمنان می‌شود. او به جهت اعلم بودن نسبت به همگان می‌پنداشت که واجد همه این مناصب است و به همین دلیل نیز آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی را ولی فقیه نمی‌دانست و اعتقادی به اعلمیت او جهت احراز این مناصب نداشت.

طبیعی است پیگیری این دو ایده، نیازمند شکستن ساختارهای سنتی حوزه نجف و مناقشه در اقتدار سیاسی ولی فقیه در ایران بود تا بتواند نظر همگان را به خود جلب نماید و بدین گونه راهی به سوی بسط مرجعیت خود در عراق بیابد. او که به خوبی می‌دانست

از مسیرهای عادی به مرجعیت نمی‌رسد، می‌کوشید «حاشیه‌ها» در عراق را از طریق «ضدیت» با برخی سبمل‌ها مثل ایران، اسرائیل، احترام نهادن به سکولارها و نقد مجموعه مراجع تقلید، دور خود جمع کند و بدین گونه منتقدین حضور ایران در عراق، سکولارها و حتی بعضی‌های مذهبی و مخالفین مراجع را مقلد خود سازد. در واقع او تاکتیکی برگزیده بود که می‌توانست مرجعیت او را در اذهان برجسته و همه را متوجه خود سازد. بی‌تردید این تاکتیک برای دولت‌هایی مثل امارات و سعودی که خواهان تفرقه در میان شیعیان عراق اند جذابیت دارد و می‌تواند او را مورد حمایت‌های مالی آنان قرار دهد. صرخی در اقدامی عجیب با همکاری تعدادی از طرفدارانش، منازل خیابانی در منطقه «سیف سعد» کربلا را خریده و خود با تأسیس سیطره و گماشتن افراد مسلح، رفت‌وآمد به مکتب او را کنترل کرده تا بدین گونه ثابت کند او نیز همانند سایر مراجع، نیازمند حراست است.

دیدگاه‌های صرخی

صرخی در پارتی‌های مختلطی که از سوی برخی برگزار می‌شد شرکت می‌کرد و حتی تصاویری از رقصیدن وی در این مهمانی‌ها وجود دارد. باوجوداین او در مجالس و محافل مختلف خود به گونه‌های مختلف مدعی ارتباط با امام زمان علیه السلام شده است. ازجمله ادعاهای عجیب وی این است که امام زمان علیه السلام با خواهر او ازدواج کرده و داماد خانوادگی آنها شده است.

دفتر صرخی در هفتم شوال ۱۴۳۲ ق بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و در آن به‌طور مستقیم مدعی شده بود که صرخی با امام زمان علیه السلام دیدار داشته و دستوراتی برای چگونگی فعالیت دریافت کرده است. او همچنین گروهی به نام شبکه امام زمان علیه السلام برای اعدام تأسیس کرد و مدعی شده که امام زمان علیه السلام از مراجع تقلید حاضر رضایت ندارد، از همین رو فتوای اعدام مراجع تقلید را صادر کرد.

ناگفته نماند، بررسی‌های انجام شده در مورد کتاب‌ها، تألیفات و دست‌نوشته‌های صرخی نشان می‌دهد که او نه تنها برای اعلم بودن در مرجعیت دارای صلاحیت نیست، بلکه اصلاً مجتهد نیست و کمترین اطلاعات در زمینه علوم دینی را ندارد؛ زیرا مطالعه نوشته‌های وی نشان می‌دهد که او بسیاری از مطالبش را به‌طور کامل و صددرصد از کتب

دیگر علما و مراجع به‌ویژه حضرت آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی رحمته‌الله به سرقت برده است. صرخی در جریان درگیری سال ۲۰۰۷م نجف به حمایت از فرقه سربازان بهشت خواستار تحقیق درباره درگیری شده و آن را یک کشتار خواند؛ پس از قتل ضیاء عبدالزهره کاظم حامیان احمد الحسن درباره وی تبلیغ را ادامه دادند. صرخی و احمد الحسن هرکدام یکدیگر را سید یمانی و مرتبط با امام دوازدهم و... معرفی کرده و به درگیری و تکذیب یکدیگر پرداختند به انتشار جزواتی در رد دیگری اقدام کردند.

ادعای مرجعیت

شاید مهم‌ترین نقطه درگیری او با حوزه علمیه نجف، طرح مرجعیت و اعلمیت اوست که نه تنها از سوی طرفدارانش مطرح می‌شود؛ بلکه خود او نیز بر آن اصرار دارد. ناگفته نماند امروزه، دعوی مرجعیت در میان بازماندگان صدر دوم در نجف امری طبیعی است و به‌رغم وصایت آن شهید بر رجوع به برخی از مراجع کنونی، برخی از شاگردانش همچنان مدعی تداوم مرجعیت صدر دوم‌اند. ظاهراً آیت‌الله سید محمدصادق صدر، دو توصیه در این باره دارد؛ یکی توصیه به آیت‌الله سیدکاظم حائری و آیت‌الله محمداسحاق فیاض که چهار سال پیش از شهادتش بیان شده است و دوم توصیه به آیت‌الله شیخ‌محمد یعقوبی که در ایام نزدیک به شهادتش در سال ۱۹۹۹م بیان شده است. این در حالی است که در حوزه نجف، مراجع دیگری نیز وجود داشت که عبارتند از: آیت‌الله سیدعلی سیستانی، مرحوم سید محمدسعید حکیم و شیخ‌بشیر نجفی که بی‌تردید مرجعیت اعلاى نجف در اختیار آیت‌الله سیستانی قرار دارد. در چنین شرایطی ادعای مرجعیت صرخی به چه معناست و او چگونه می‌تواند مرجعیت خود را به اثبات رساند؟ به‌ویژه آنکه نه صدر دوم بر اجتهادش تأکید نموده و نه در مناظره‌ای اعلمیت خویش را ثابت کرده است؟

مروری بر اثر تفصیلی او یعنی «مسائل و ردود» نشان می‌دهد که وی برخلاف سنت‌های جاری در حوزه‌های شیعه به‌صراحت خود را «اعلم» از علمای عراق و خارج از عراق می‌داند. این بدین معناست که او خود را اعلم از آیت‌الله حائری در قم و آیت‌الله سیستانی در عراق می‌داند. با این تفاوت که او حائری را بر سیستانی ترجیح داده و از مقلدین خود می‌خواهد که در موارد احتیاط واجب او، به آیت‌الله حائری رجوع کنند (حسنی صرخی، ۱۴۲۷ق، س ۱۱۳). جالب آن است که آیت‌الله حائری، اجتهاد صرخی را رد

می‌کند و دعوی او را در این باره قبول ندارد. از نظر او آیت‌الله سیستانی، نه تنها اعلم نیست، بلکه آثاری که دلالت کنند بر اجتهاد او نیز وجود ندارد. (همان، س ۱۱۲) و مروجین مرجعیت او را کسانی می‌داند که بنده درهم و دینارند؛ چراکه درهم و دینار نزد او بسیار است (همان، ۱۴۲۷ق، س ۱۰۶). رساله عملیه صرخی «المنهاج الواضح» نام دارد که سیاقی جدید دارد و برخلاف رساله‌های موجود دربرگیرنده برخی مستندات قرآنی و روایی در ذیل فتاوی است. صرخی که تأییدات مراجع قبلی و کنونی نجف را پشت سر ندارد، ناچار است اولاً جهت اثبات مرجعیت و اعلمیت خود، اعلمیت و حتی اجتهاد مراجع کنونی را زیر سؤال ببرد و در ثانی ثابت کند که احراز اعلمیت بسته به دانش و فضیلت یک مجتهد است که این اوصاف در آثارش حضور جدی دارند و به همین دلیل او بی‌نیاز از تأیید دیگران است.

او حتی آیت‌الله حائری را اعلم می‌داند و تنها بر اجتهادش تأکید دارد و طبیعتاً خود را اعلم از آیت‌الله حائری می‌داند و پیروان صدر دوم را نه دعوت به آیت‌الله حائری و آیت‌الله فیاض، بلکه دعوت به خود می‌کند. از نظر او توصیه صدر دوم در رجوع به آیت‌الله حائری مطلق نبوده و اکنون با وجود او دلیلی بر رجوع به ایشان در قم وجود ندارد (همان، س ۱۲۰)؛ البته او فتوا می‌دهد که بقاء بر تقلید صدر دوم جایز است، اما در مسائل مستحدثه باید به او مراجعه کنند (همان، س ۱۸) و کسانی که در آغاز تقلیدند نباید به صدر دوم بازگردند و نباید به مراجع کنونی ایران و عراق مراجعه کنند؛ چراکه تقلید از غیر خودش را بری‌الذمه می‌داند (همان، س ۳۳ و ۳۶).

ولایت فقیه

به غیر از دعوی اعلمیت و مرجعیت، الصرخی داعیه بزرگ‌تری نیز دارد و آن دعوی «ولایت سیاسی» است. برخی از مقلدینش نیز او را «ولی امر مسلمین» می‌خوانند (همان، س ۵۶). مهم‌ترین اثر او درباره ولایت فقیه رساله عملیه او یعنی «منهاج الواضح» است که فصلی را به آن اختصاص داده است. البته معلوم نیست که این اثر را در چه تاریخی نوشته است. ابهامی که برخی مقلدینش نیز دارند و از او درباره تاریخ نگارش این اثر پرسیده‌اند و او تاریخ نشر آن را عندالله می‌داند (همان، س ۷۱۵). او در این اثر بدون اینکه سند و دلالت روایات وارده در این باب را مورد بررسی فقهی قرار دهد، همه آن‌ها را مؤید ولایت عامه

فقیهان می‌دانند. «فقیه اعلم» از نظر او باید براساس مصالح عامه در امور عمومی مردم دخالت کند و بر همگان نیز واجب است از او اطاعت نمایند. الصّرخی در «منهاج الواضح» (حسنی صّرخی، منهاج الواضح، ص ۳۵) ولایت شرعی عامه را برای مجتهد مطلق که مرجع تقلید نیز بوده باشد، ثابت می‌داند. مراد او از این ولایت همان امر به معروف و نهی از منکر است که ممکن است بنا به مصلحت عامه، مستلزم تصرف در انفس و اموال مردم شود. در واقع او برای مرجع تقلید علاوه بر منصب افتاء مناصب دیگری برمی‌شمارد که یکی از آنها ولایت عامه است. ولایت قضاء، ولایت بر شئون قاصرین مثل ایتمام و مجانین نیز از جمله ولایات ثابت شده برای مراجع‌اند. ولایت فقیه نیز از ضروریات مذهب است و هرگاه مجتهد اعلم وجود داشته باشد، چنین ولایتی نیز دارد (حسنی صّرخی، ۱۴۲۷ق، س ۱۴۹).

از نظر او ولایت عامه، امری است که در جوامع غیردینی و نیز نزد بزرگان اهل سنت پذیرفته شده و تشیع نیز در غیاب امام زمان عجل الله فرجه آن را برای «مرجع اعلم» ثابت می‌داند. صّرخی جهت اثبات چنین ولایتی، بیست و دو دلیل اقامه می‌کند. او ولایت را از شئون «مرجع اعلم» می‌داند. در ادله‌ای که خود الصّرخی نیز به آنها اشاره می‌کند شرط لازم برای تصدی منصب ولایت سیاسی، اجتهاد است و اعلمیت در فقه از شروط آن به شمار نمی‌آید. در واقع، صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه کافی است و هیچ ضرورتی ندارد که فقیه حاکم اعلم از فقها معاصر خویش باشد؛ از این رو به نظر می‌رسد که اعلم بودن شرط مرجعیت است، اما شرط تصدی ولایت نیست؛ از این رو به نظر می‌رسد که صّرخی معتقد است:

- فقیه آنگاه به مقام مرجعیت می‌رسد که اعلم از دیگران باشد.
 - مرجع اعلم دارای مناصب متعددی از جمله ولایت عامه است.
 - من از همه فقهیان عراق و قم عالم‌ترم.
 - پس من مرجع اعلی‌ام و بر همه مؤمنان ولایت عامه دارم.
 - بر همگان واجب است که از من تقلید و اطاعت کنند.
- طبق برخی گزارش‌ها او مدعی است آیت‌الله است و آیت‌الله در فقه شیعه کسی است

که به مرحلهٔ اجتهاد رسیده، اما هیچ مرجع یا آیت‌اللهی این مسئله را شهادت نداده که او به این درجه رسیده باشد. او که پس از ظاهر شدن به‌سرعت موردتوجه رسانه‌های خبری جهان به‌ویژه رسانه‌های ضدایرانی و ضدشیعی قرار گرفت، در مدت زمان بسیار کوتاهی با نام سید حسنی شهرت یافت. چند روز پس از اولین ظهور وی، او اظهارات شدیداللحنی علیه نیروهای آمریکایی بیان کرد و آنان را اشغالگر خواند و خواستار خروج فوری اشغالگران از عراق شد. دو روز پس از اظهارات ضدآمریکایی صرخی، هوادارانش با حمله به تعدادی از نیروهای آمریکایی موفق شدند سه نفر را بکشند. بلافاصله پس از آن عملیات، نیروهای آمریکایی به کمک ارتش عراق به دفتر او حمله کردند، اما وی پیش از آن ناپدیدشده بود (خبرگزاری حوزه).

از آن زمان تا سال گذشته، یعنی نزدیک به چهار سال از صرخی خبری نبود. شایعات در مورد محل پنهان شدن وی افزایش یافت. برخی می‌گفتند به لبنان فرار کرده، زیرا در آنجا رؤیت شده، اما برخی دیگر معتقد بودند در مناطق جنوب عراق پنهان شده است. پیروانش معتقد بودند که او غیبت کرده و نزد امام زمان رفته است.

شبکهٔ خبری «العربیه» عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴م، زمانی که صرخی و یارانش در کربلا دست به آشوب‌زده بودند، وی را مخالف «رهبری مذهبی و دینی سنتی شیعه عراق» معرفی کرد که «مقر آن در نجف است؛ شهری که آیت‌الله علی سیستانی رهبری آن را بر عهده دارد».

در این گزارش، تعداد عناصر وابسته به صرخی حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار فرد مسلح برآورد شد که در سال ۲۰۱۴م، با نیروهای دولت مرکزی عراق درگیر شده بودند.

العربیه با این ادعا که عناصر صرخی خواستار «تشکیل حکومت مذهبی شیعه در عراق هستند که بر اساس اصل ولایت‌فقیه باشد»، در همان زمان گزارش داده بود «بزرگ‌ترین تهدیدی که متوجه بغداد است، از جنوب است... و گروه‌های حاضر در این منطقه می‌توانند تهدیدی برای عراق و ایران باشند».

وی در سال ۲۰۰۵م به‌طور ناگهانی در شهر «حله» عراق نمایان شد و در مدت زمان بسیار کوتاهی تعدادی دفتر در شهرهای مختلف شیعه‌نشین عراق افتتاح کرد و مدعی

مبارزه با نظامیان آمریکا شد و ادعا کرد که سه نفر از آنان را کشته است. پس از ادعای کشتن سه نظامی آمریکا بود که مدعی شد با امام زمان علیه السلام دیدار کرده است. این ادعا با واکنش شدید مراجع و شیعیان عراق مواجه شد. پس از بررسی سابقه وی، مشخص شد که او نیز از نیروهای سابق سازمان امنیت حزب بعث بوده که با همکاری با سازمان اطلاعات سعودی، با هدف تخریب مرجعیت شیعه، پا به عرصه گذاشته است.

ترور مراجع دینی عراق به بهانه عدم رضایت امام زمان علیه السلام

صّرخی مخالف مرجعیت دینی عراق بود. وی گروهی را به نام گروه «اعدام‌های امام مهدی علیه السلام» تأسیس کرد. مأموریت این گروه ترور مراجع دینی عراق بود. آنان مدعی بودند که امام زمان علیه السلام از مراجع راضی نیستند و به همین دلیل باید کشته شوند.

وی یکی از شخصیت‌های مرموزی است که اهدافش مشخص نیست، ولی علمای شیعه بر کذب بودن مدعاهای وی، اتفاق نظر دارند. صّرخی با وجود اینکه بار علمی ندارد، خود را از شاگردان آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر و سید محمد صادق صدر معرفی کرده بود و در چهل‌سالگی با ادعای «مرجعیت» در عراق فعالیت خود را آغاز نمود. پس از ظهور علنی وی، طرفدارانی از شیعیان جنوب عراق به دور وی جمع شدند و انحراف جدیدی شکل گرفت که نارضایتی و اعتراض مراجع تقلید را در پی داشت. با ادعای وی مبنی بر اینکه ادامه‌دهنده راه آیت‌الله شهید محمد باقر صدر است، آیت‌الله سید کاظم حائری در پاسخ یک استفتا در مورد او اعلام کرد: «سید محمود حسنی صّرخی مجتهد نیست و ما به وی اعتمادی نداریم».

مخالفت صّرخی با مبارزه با گروه تروریستی داعش

صّرخی از جمله کسانی است که فتوای آیت‌الله سیستانی در سال ۲۰۱۴ م برای بسیج مردمی و مبارزه با عناصر داعش در شمال و غرب عراق را رد کرد. صّرخی در آن زمان ادعا کرد که عناصر داعش از اهل تسنن هستند و حمل سلاح علیه داعش حرام بوده و فتوای آیت‌الله سیستانی نیز باطل است.

نکته جالب توجه اینکه عناصر وابسته به صّرخی در سال ۲۰۰۶ م نیز به کنسولگری ایران در بصره حمله کرده بودند. به همین دلیل، برخی از علمای شیعه، به وی القابی مانند

«منحرف» و «گمراه گمراه‌کننده» داده‌اند.

شبکه خبری «العالم» نیز با اشاره به اقدامات فرقه الصّرخی در یورش به منطقه سبز بغداد در سال ۲۰۱۶م و آتش زدن کنسولگری ایران در سال ۲۰۱۸م، گزارش داد که این فرقه ضاله، در پس تمامی حملات به سازمان «الحشد الشعبی» (بسیج مردمی)، مرجعیت دینی، شعائر حسینی و محور مقاومت قرار دارد.

وابستگی صّرخی به عربستان و آمریکا

شبکه «العالم» صّرخی را وابسته به عربستان سعودی و محور ضد مقاومت دانست و گزارش داد، پس از حمله داعش به عراق و تهدید کربلا و نجف اشرف توسط عناصر این گروه، صّرخی از کشورهای حاضر در ائتلاف موسوم به ضد داعش به رهبری آمریکا خواست که به «هوشیاری و شجاعت» عناصر داعش اذعان کنند و به همین دلیل، جنگ با آنان را بی‌فایده دانست.

وی به روزنامه الوطن مصر هم گفته بود که داعش یک واقعیت عینی است، و یک پدیده زودگذر نیست. به همین دلیل نباید برای نابودی آن، زمان صرف کرد و خون بیشتری را در این «جنگ‌های بی‌فایده و مهلکه‌های واقعی» ریخت.

صّرخی ضمن تأیید کامل تجاوز عربستان سعودی به ملت یمن، گفته بود که «از ائتلاف اسلامی به صورت کامل حمایت می‌کنیم، آن را تأیید و از آن استقبال می‌کنیم».

وی درباره به شهادت رساندن آیت‌الله «مُر باقر النمر» توسط رژیم سعودی، ضمن حمله به علمای مذهبی ایران و عراق به خاطر حمایت آنان از النمر، مدعی شده بود که وی از شهروندان ایران و عراق نیست و هیچ موضع‌گیری‌ای نیز به سود عراق و ملت آن نداشته است.

صّرخی در سال ۲۰۱۳م نیز مدعی شده بود که امام زمان عجل الله فرجه شخصاً به وی «دستور داده که سر نوری المالکی [نخست‌وزیر اسبق عراق] و مقتدی الصدر [رهبر جریان صدر] را قطع کند».

به‌هرحال در تظاهرات اخیر عراق که در اعتراض به فساد و بیکاری آغاز شد، برخی کشورها و جریان‌های سیاسی از آن سوءاستفاده کردند، در فضای رسانه‌ای، حمایت چشمگیری از صّرخی صورت می‌گیرد و عربستان و امارات و عناصر بعثی و آمریکا حامیان اصلی وی هستند.



درگیری‌ها

صَرحی به‌عنوان یک روحانی حاشیه‌ای و بنیان‌گذار سازمان مسلحی به نام «ارتش امام حسین» بیشتر به دلیل تنش‌ها و درگیری‌هایش شناخته می‌شود (ویکی).

۱. حمله به کنسولگری ایران در بصره

در سال ۲۰۰۶م نیروهای وی به کنسولگری ایران در بصره آتش گشودند و پرچم عراق را بر فراز ساختمان کنسولگری برافراشتند (ویکی).

۲. حمله به نیروهای ائتلاف آمریکایی

در طی سال‌های ۲۰۰۶م تا ۲۰۰۷م نیروهای وی با بمب‌های کنار جاده‌ای به نیروهای ائتلاف آمریکایی حمله می‌کردند (ویکی).

۳. درگیری با دولت عراق

در دوم ژوئیه ۲۰۱۴ درگیری‌ها بین طرفداران صَرحی که به نام ارتش امام حسین شناخته می‌شد با دولت عراق در زمان نخست‌وزیری نوری مالکی درگرفت. این درگیری بعد از آن واقع شد که بعد از سقوط شهر موصل، آیت‌الله سید علی سیستانی فتوا داده بود شیعیان به‌صورت داوطلبانه پشت سر صفوف ارتش عراق و علیه داعش بجنگند (ویکی).

۴. حمله به کنسولگری ایران در کربلا

شبکه الجزیره گروه‌های حامی و پیرو محمود صَرحی را عامل حمله به سفارت ایران در کربلا در جریان تظاهرات اکتبر در عراق، (۱۳۹۸ش) معرفی کرده است (ویکی).

رپ حسینی

هواداران وی در سال ۲۰۱۹م در مسجد الشعب در حاشیه بغداد، مراسم عزاداری را به سبک رپ برگزار کردند. آن‌ها در این مراسم به مناسبت عزاداری، اقدام به سینه‌زنی با بیت‌های رپ، مداحی می‌کردند. این شیوه عزاداری در عراق به «رپ حسینی» معروف شده است.

لازم به یادآوری است «الصَرحی» که همواره ادعای اسلام‌گرایی داشته، اما در انتخابات گذشته همواره از نامزدها و احزاب غیر اسلامی و غیردینی به‌ویژه حزب کمونیست عراق حمایت کرده است.

شایان‌ذکر است یکی از افراد نزدیک و یاران صَرحی «فائز الشمیری» نام دارد. براساس

اسنادی که پس از تسخیر مقر سازمان اطلاعات و امنیت حزب بعث بعد از سقوط رژیم صدام به دست آمده، مشخص شد که «فائز الشمری» یک سنی مذهب و از اهالی شهر «فلوجه» بوده که از کارکنان سازمان امنیت بعث به شمار می‌رفت و در زمان صدام مدتی مأموریت یافت که با عمامه‌ای سفیدرنگ به صورت یک روحانی شیعی در محافل و مجالس مختلف مانند دروس برخی مراجع حاضر شود.

پس از اشغال عراق، نیروهای آمریکایی و عراقی به مسجدی در منطقه السیده در بغداد که زیر نظر «فائز الشمری» بود حمله کرده و مقدار زیادی از سلاح‌ها و موشک‌های ارتش سابق عراق را در انبار مسجد کشف و ضبط کردند.

پیش از آن حمله «الشمری» گریخته بود و مدتی بعد با عمامه سیاه‌رنگ در کنار «الصرخی» به عنوان یکی از هواداران وی ظاهر شد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، او در حال حاضر نزدیک به دویست نیروی مرد و پنجاه نیروی زن را به استخدام گرفته و به طور ماهانه به هرکدام از آنان سیصد دلار حقوق پرداخت می‌کند. براساس اطلاعات به دست آمده منبع درآمدی وی از سوی سازمان اطلاعات و امنیت عربستان سعودی تأمین می‌شود.

نیروهای وی با هدف حمایت از خود و انجام برخی عملیات‌ها مقادیر قابل توجهی اسلحه نیز تهیه کرده و در اختیار دارند.

از جمله حمایت‌هایی که رژیم سعودی از وی می‌کند تبلیغات برای وی در رسانه‌های وابسته به سعودی است. برای مثال تاکنون روزنامه الشرق الاوسط و شبکه العربیه و سایت اینترنتی ایلاف که از پرمخاطب‌ترین رسانه‌های عرب‌زبان جهان به شمار می‌روند با وی مصاحبه کرده و به نشر اظهارات و اندیشه‌های او پرداخته‌اند.

افشاگری بی سابقه علیه محمود الصرخی

به گزارش «شیعه نیوز»، در پی جنجال‌های متعدد محمود الصرخی و طرفدارانش، رئیس قبیله آل صرخه «شیخ علی الصکبان» و رؤسای سه طایفه این عشیره یعنی طوایف «آل برجس، الصوایح و اللیبیات» در بیانیه‌ای موضع خود را برای عموم روشن ساختند. افراد ذکر شده در این بیانیه از صرخی برائت جسته و اعلام کردند به نیابت از تمام افراد عشیره بار دیگر با سید علی سیستانی نماینده مذهب اهل بیت علیهم‌السلام بیعت می‌کنند.

در ادامه این بیانیه آمده است: ما شمشیرهای قانونی برای خدمت به مرجعیت بزرگ هستیم و برای نابودی تمام کسانی که به اسم مرجعیت در حال سوءاستفاده‌های گوناگون هستند گوش به فرمان مرجعیت نجف با پیشگامی آیت‌الله سیستانی هستیم؛ ما می‌خواهیم به همگان موارد زیر را اعلام کنیم:

۱. عشیره آل‌صرخه یکی از شاخه‌های قبیله «بنی‌لام» است و ما نوشته رسمی از شیخ بزرگ بنی‌لام «غضبان البنیه» داریم.

۲. ما از عامه مردم هستیم و از جمله سادات و ذریه‌های رسول‌الله ﷺ نیستیم.

۳. تأکید می‌کنیم که در سال ۱۹۹۹م محمود الصرخی را به علت فسق و بی‌بندوباری و مرتکب شدن «السوده» برای همیشه از قبیله طرد کردیم.

۴. اصطلاح «السوده» در فرهنگ عشایر به کسی اطلاق می‌شود که با یک محرم و یا با یک متأهل مرتکب زنا شود، محمود الصرخی مرتکب زنا با یک زن متأهل شد و در حال حاضر نیز با وی زندگی می‌کند و صاحب چندین فرزند است.

۵. محمود الصرخی یک بعثی است و در زمان مجرم «سبعاوای ابراهیم الحسن تکریتی» برای وی گزارش‌های حزبی می‌نوشت و به آن افتخار می‌کرد و حتی عکس یادگاری با سبعاوای را در منزلش قرار داده بود.

۶. سبعاوای برخی از مأموران امنیتی جنوب عراق از جمله صرخی را در قالب طلبه برای جاسوسی به حوزه علمیه فرستاد و این اقدام پس از شکست تمام تاکتیک‌های حزب بعث جهت جاسوسی در حوزه علمیه صورت گرفت.

۷. از آنجایی که مأموران امنیتی سبعاوای مورد اعتماد نبودند از سوی حوزه علمیه مورد پذیرش قرار نگرفتند، اما این افراد جلسات درس ضعیفی خارج از حوزه و بدون اشراف آن برای خود برگزار کردند. چیزی نگذشت که سبعاوای، محمود فاسق قبیله ما و دیگر مأموران امنیتی را اعلام کرد.

زمینه و نحوه فعالیت صرخی و هوادارانش

عمده فعالیت‌های هواداران «الصرخی» در دو حوزه «فضای واقعی» و «فضای مجازی» محدود می‌شود.

فعالیت آنان در فضای واقعی از طریق دفاتر در شهرهای مختلف عراق و روحانیون



هوادارش انجام می‌شود و آنان تلاش می‌کنند با سخنرانی برای عوام مردم عراق و به‌ویژه مردم عشایر که از سطح آگاهی و علمی بسیار پایینی برخوردارند، اهداف و سیاست‌های خود را دنبال کنند.

فعالیت هواداران «الصّرخی» در عرصه فضای مجازی به صورت بسیار گسترده و تعجب‌برانگیزی ادامه دارد و با بررسی سطحی یک کارشناس یا فعال این عرصه می‌توان نشان داد که گستردگی فعالیت آنان در این عرصه مطمئناً توسط یک گروه کامل و مجهز که از سوی یک ارگان امنیتی حمایت می‌شود، در حال انجام شدن است.

بررسی‌های میدانی و مجازی که ما انجام داده‌ایم نشان می‌دهد آنان علاوه بر داشتن یک سایت رسمی تحت عنوان سایت «مرجعیت الصّرخی»، و یک سایت مربوط به بخش تبلیغات و اطلاع‌رسانی دفتر مرجعیت «الصّرخی»، چندین صفحه در سایت فیسبوک، توئیتر، گوگل پلاس و یوتیوب دارند که موفق شده‌اند با فعالیت گسترده خود تعداد زیادی کاربر اینترنتی را به خود جذب کنند.

آدرس این صفحات به شرح زیر است:

سایت رسمی مرجعیت الصّرخی:

<http://www.al-hasany.net>

سایت بخش اطلاع‌رسانی الصّرخی:

<http://www.al-hasany.com>

آدرس صفحه یوتیوب:

<http://www.youtube.com/user/2alhasany/featured>

آدرس اصلی‌ترین صفحه فیسبوک:

https://www.facebook.com/alsrkhy.alhasany?sk=app_4949752878

آدرس اصلی‌ترین صفحه توئیتر:

<https://twitter.com/AnsrIraq>

آدرس اصلی‌ترین صفحه گوگل پلاس:

<https://plus.google.com/104911069970529941892/posts>

جمع‌بندی

از مجموع آنچه گذشت روشن می‌شود که صرخی فردی دروغگو، اهل فریب و جاه‌طلب است که با سوءاستفاده از احساسات دینی مردم و غفلت و جهل آنان ادعای ارتباط با امام زمان عجله الله تعالی فرجه و سپس ادعای مهدویت می‌کند. ارتکاب به حرام و عدم تقید به دستورات دینی، همدستی و هم‌سوئی با داعش و دشمنان عراق و مسلمانان، از دیگر ویژگی‌های ایشان و همراهان وی است. تصمیم بر حذف و نابودی مراجع اصیل دینی و حمله به شیعیان و عتبات مقدسه از نتایج چنین طرز فکری است.



فهرست منابع

۱. حسنی صرخی، محمود، مسائل و ردود فی موضوعات مختلفه، الجزء الاول، طبقا لفتاوی لسماحة المرجع الديني الاعلى آية الله العظمى السيد الحسنی، اعداد الشيخ عباس الكعبي، ۱۴۲۷ق.
۲. ———، منهج الواضح، فتاوی المرجع الديني الاعلى السيد الصرخي الحسنی، بحوث اخلاقية و تمهيدية.
۳. فراتي، عبدالوهاب، يادداشت: «صرخي كيست و در پی چيست؟»
۴. دانشنامه آزاد ويكي پديا .
۵. شبکه العالم.
۶. شبکه الجزيره.

